



مهمترین تحلیل های دیدبان پیرامون

مطالبات و منویات رهبر انقلاب

- استراتژی ارتباطی مقام معظم رهبری در بازندهای استانی
- نقش رهبری در ایجاد جامعه نخبگان کشور
- مدیریت هشت ماهه فتنه بازخوانی سخنانی های رهبری
- تعمیق بیان رهبر انقلاب در ذم شعار "جانم فدای رهبر"
- هدفگذاری گفتمانی رهبر انقلاب برای دولت ها
- شروط رهبری برای مذاکره با آمریکا

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی



www.Didban.ir

الرحمن
الرحيم



به بهانه اتمام بازدید از خراسان شمالی

استراتژی ارتباطی مقام معظم رهبری در بازدیدهای استانی

این رحله ها زمان بسیار مناسبی برای بیان آن چیزی است که بیش از موارد دیگر محتاج توجه و اهتمام است. از عوامل توجه عمومی و بین المللی به سفرهای استانی ایشان نهمین رویکرد تبیین گری است چرا که ایشان بسیاری از محورهایی را که در بیانات حسینی امام خمینی (ره) به صورت محوری و نکته وار ذکر می کنند در جمع مردم بخش های مختلف کشور بیشتر پرداخته و آن را تفصیل می دهند.

استراتژی مذکور از جمله مواردی است که در سفرهای ایشان دچار تطور شده است، به گونه ای که مقایسه بیانات در سفرهای اولیه با سفرهای اخیر به خوبی نشان می دهد که در اوایل شروع این بازدیدها، مباحث با شمولیت و تفصیلی همچون سفرهای اخیر مطرح نمی شده و عملاً در چند سال اخیر نکاتی که معظم له در سفرهای استانی بیان می کنند نه تنها در رویکرد کلی کشور موثر است بلکه حتی بسیاری از جهت گیری ها را اصلاح کرده و به عنوان یک سیاستگذاری نو قلمداد می شود. به طور مثال گرچه ایشان چندین بار در جمع های مختلف بر اهمیت بحث جمعیتی صحنه گذاشته بودند اما در این سفر شاهد بودیم که ایشان تأکید بر جبران اشتباهات گذشته در این خصوص داشتند.

جدول زیر نشان دهنده استراتژی تبیینی در ۴ سفر اخیر قیاس آن با ۲ سفر اول است:

استان	سال	محور سخنان
خراسان شمالی	۹۱	پیشرفت، ثبات
کرمانشاه	۹۰	الگو بودن ملت ایران
قم	۸۹	بصیرت، وظایف حوزه علمیه
فارس	۸۷	تحلیل نقش مردم در انقلاب، ماهیت و موانع انقلاب
بوشهر	۷۰	قدرت معنوی اسلام
ایلام	۶۹	ستایش مجاهدت مردم

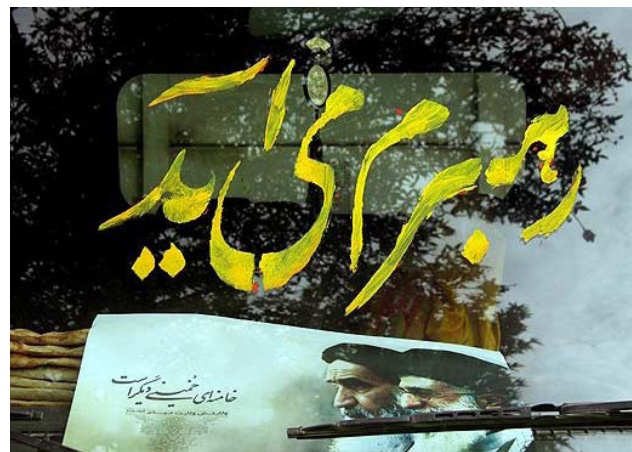
۲- استراتژی دیدار (توجه به اقشار و گروه ها در دیدارها):
تنوع و تعداد دیدار های مقام معظم رهبری در سفرهایشان یکی دیگر از مولفه هایی است که از سال ۶۹ تا کنون رشد داشته است.

مقام معظم رهبری سلسله سفرهای استانی را از دی ماه سال ۱۳۶۹ با سفر به استان ایلام آغاز نمودند، ایشان قبل از شروع این سفر فرموده بودند: « من تصمیم دارم که به قصد تماس مستقیم و نزدیک با مردم، سلسله مسافرتی را در سرتاسر کشور شروع کنم. قصد ابتدایی من این است و دلتم می خواهد بروم؛ چون من همیشه مسافرت می کردم، با مردم ارتباط نزدیک داشتم و خیلی از مسایل مردم را که نمی شود از راه دور و نامه و گزارش و پیغام و عیون و امثال آن مطلع شد، آدم می تواند در یک نگاه چیزهایی را بفهمد و مطلع بشود. چنانچه بشود از این مسافرتها، کاری در جهت فعالیتها شما انجام داد، من انجام می دهم». سفر اخیر ایشان به خراسان شمالی حلقه ای از این ارتباط مستمر و نزدیک بود.

با نگاهی به سیر تطور این سفرها و همچنین آثار و برکات آن سعی می کنیم چند دسته از اهدافی را که در قالب استراتژی ارتباطی محقق گشته بیان کنیم.

۱- استراتژی تبیین (کل کشور عرصه بیان و تبیین گری: طیب دوار بطبه):

امام خامنه ای در مواقع غیر از بازدید استانی نیز به بیان و تبیین مسائل مهم و کلان نظام می پردازند. اما آنچه را که در سال های اخیر شاهد آن هستیم، فرمایش مطالب کلیدی حساس و مورد نیاز کشور در سفرهای استانی است به گونه ای که به محض رسانه ای شدن عزم ایشان برای حضور در میان مردم بخش های مختلف، گمانه زنی بر سر محورهای سخنان معظم له شروع می شود و هر رسانه ای به دنبال راهی برای نزدیک کردن پیش بینی های خود به واقع می باشد.



در نظر رسانه ها، مردم و مسئولین سفرهای استانی ایشان از اهمیت بالایی برخوردار است که این امر منجر شده تا این سفرها کانون توجهات خبری، فعالان و تحلیل گران کشور قرار گیرد از همین رو

استان	سال	تعداد سخنرانی ها	مخاطبین
خراسان شمالی	۹۱	۱۰	مردم بجنورد، علما، معلمان و اساتید، نیروهای مسلح، مردم اسفراین، خانواده شهدا و ایثارگران، جوانان و دانشجویان، مردم شیروان، بسیجیان، نخبگان و مسوولان
کرمانشاه	۹۰	۱۰	مسئولین، مردم کنگاور، نخبگان، پاره، دانشجویان، گیلان غرب، بسیجیان، مراسم مشترک نیروهای مسلح، خانواده شهدا، روحانیون، مردم کرمانشاه
قم	۸۹	۱۰	مسئولین، دانشجویان، طلاب خارجی، طلاب، بسیجیان، خانواده شهدا، مردم قم، اعضای هیئت علمی موسسه امام خمینی، اعضای شورای عالی حوزه، اعضای جامعه مدرسین
فارس	۸۷	۱۱	لار، مسئولین اجرایی، نخبگان، کازرون، عشایر نور آباد ممسنی، دانشجویان، بسیجیان، خانواده شهدا، معلمان، مراسم مشترک، مردم شیراز
چهار محال و بختیاری	۷۱	۴	مردم، عشایر، خانواده شهدا، روحانیون
لرستان	۷۰	۴	عشایر، مردم، خانواده شهدا، روحانیون
بوشهر	۷۰	۷	مردم دلوار، مردم روستای لیلک، مراسم مشترک نیروهای مسلح، جشن تکلیف دانش آموزان دختر، مردم بوشهر، خانواده شهدا، روحانیون
ایلام	۶۹	۴	مردم روستای جعفر آباد، مردم ایلام، مردم روستای سفیدون طولاب، خانواده شهدا



این رشد را باید از دو زاویه مورد توجه قرار داد، نخست تنوع مخاطبین دیدارها و دوم افزایش تعداد دیدارها.

الف- تنوع دیدار:

از اساسی ترین اقدامات برای اجرای اهداف و برنامه های کلان نظام، گسترش برنامه ها در جامعه و در میان اقشار مختلف اجتماع است، اگر تک تک افراد جامعه، خود را مخاطب چشم انداز نظام و موثر در

پیشرفت و تعالی جامعه بدانند قطعا مشارکتی همگانی رخ خواهد داد. سیره رسول اکرم(ص) در اخذ مشورت از اصحاب را در همین حوزه تفسیر می کنند به طور مثال هنگامی که مردم مدینه خود را در در نتیجه جنگ موثر می بینند حاضر هستند که با اشتیاق فراوان خندق حفر کنند.

امام خامنه ای در دیدار های خود، نسبت اقشار مختلف را با انقلاب اسلامی تبیین نموده و وظایف این گروه ها را یادآور می شوند، به عبارت دیگر مسائل کلان، اهداف، استراتژی ها و برنامه های نظام را به فراخور فضای فکری و عملی اقشار مختلف تبیین می نمایند، این مهم را در روایت نبوی می یابیم: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» «ما انبیاء امر شده این که متناسب با مخاطبمان سخن بگوییم».

در سفر اخیر خراسان شمالی، مقام معظم رهبری در دیدار عموم مردم، تبیینی از کلیت و محتوای پیشرفت را ارائه کردند، در دیدار با دانشجویان به تبیین سبک زندگی به عنوان یکی از شاخصه های پیشرفت پرداختند، در دیدار با طلاب نیز خط دهی و تعامل گیری آنان را با اقشار مختلف من جمله جوانان را مطرح نمودند (که این منجر به پیشرفت اخلاقی مورد اشاره معظم له می شود).

فایده دیگری که بر این اقدام مترتب است همزاد پنداری مردم غیر بومی است. به عنوان مثال هنگامی که ایشان با دانشجویان خراسان شمالی به گفتگو می نشینند تمامی دانشجویان کشور خود را مخاطب آن دانسته و اخبار و بیانات آن جلسه را پیگیری می کنند، این را نیز باید از ابتکارات ایشان دانست که تنها با یک دیدار

به راحتی جریانی عظیم در قشری خاص به راه می اندازند؛ کاری را که تنها می توان با هزینه های هنگفت از طریق رسانه ها انجام داد. در یک کلام باید اینگونه بیان شود که با استفاده از این سفر و با بهره گیری از این دیپلماسی، پذیرش مردمی نسبت به قوانین، برنامه ها، راهبردها و رویکردهای نظام بالا می رود به گونه ای که نظام می تواند برنامه های خود را خصوصا استراتژی های جهادی را در مقابل دشمن در جامعه به راحتی اجرا نماید چرا که پذیرش اجتماعی آن بالا رفته است. این نفوذ را در ادبیات سیاسی به مشروعیت تعبیر می نمایند، مشروعیت در این علم به معنای آن است که هنگامی که نظام سیاسی حاکم دست به اقدامی و یا دستوری می زند مردم بدون اکراه آن را بپذیرند.

از همین روست که شاهد آن هستیم تنوع مخاطبین در سفرهای اخیر مقام معظم رهبری بیش از سفرهای اولیه است.

ب- تعداد دیدارها:

تعداد دیدارها عملا به خاطر اینکه گستره جمعیتی بیشتری را درگیر می کند، توجه افراد بیشتری را جلب کرده و اینگونه هر فرد خودش را سفیر و رسانه ای برای انتشار نکات مورد تأکید می داند. اگر در این سفرها رهبر انقلاب تنها به دیدار عمومی و دیدار با مسئولین اکتفا می نمودند و مابقی سفر را به جلسات با مسئولین می گذراندند، آن وقت آیا توجه مردمی به بیانات معظم له در سفرها، ایجاد شور انقلابی در جامعه، نشان دادن پیوندهای مردم و ولی و به دنبال آن یأس دشمنان و برکات دیگر هیچگاه عیان می شد؟

سخن گفتن با مردم هر شهری که ولی در آن وارد می شود از سنن

و ایستادگی در مبارزه با دشمنان همگی جزو صحنه های ماندگار انقلاب اسلامی است. اگر باور قلبی و ایمانی راسخ به انقلاب وجود نداشته باشد قطعاً تمامی مظاهر آن نیز رو به زوال رفته و نهایتاً خمودگی و سستی در مقابل دشمن افزایش یافته و اینگونه دشمن به فکر دست اندازی و تعدی می افتد.

شهید مطهری (ره) معتقد بودند که امر دین امری است عقلی و عاطفی از همین رو نمی توان تنها با عقل به آن پرداخت بلکه عاطفه نیز باید در دین باشد (ایشان مجالس روضه اهل بیت علیهم السلام را از نمودهای این بعد عاطفی می دانند). حال انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب دینی از این قاعده مستثنی نیست. در صورتی که تنها بعد استدلالی و عقلی نسبت به نظام برای مردم بماند دیگر مجاهدت و از خود گذشتی را شاهد نخواهیم بود. از همین رو ایجاد شور انقلابی در جامعه و باز تولید عواطف مردمی نسبت به انقلاب و ارزش های آن امری بسیار ضروری جلوه می نماید. از عوامل دلدادگی نسل جدید و در نتیجه عدم انحراف انقلاب اسلامی را نیز باید همین باز تولید دانست.

این موضوع دو اثر با برکت دارد نخست آنکه قوی تر شدن شور انقلابی و مستحکم شدن رابطه قلبی مردم با انقلاب منجر به پیشبرد و تعالی مردم و دولت و در نتیجه نزدیک شدن به تمدن اسلامی می شود و دوم آنکه دشمن نیز با مشاهده این پیوند ها و مستحکم تر شدن آن ها مایوس شده و حتی عقب نشینی می نماید.

نتیجه گیری:

نزدیکی به مشروعیت مطلق، بالا رفتن اقتدار نظام سیاسی، مشارکت دادن مردم در امور سیاسی، سهیم کردن مردم در قدرت، افزایش قدرت نرم، بالا بردن قدرت خود در مقابل دشمن، استحکام مردم در مبارزات، تبیین خط مشی و راهبردهای کلان سیاسی، سهیم شدن مردم در پیشبرد راهبردهای کلان نظام، مردمی شدن اهداف بالادستی نظام، پیوند مسئولین و مردم و... از اموری است که امروزه تمامی دولت های مدرن داعیه تلاش برای رسیدن به آن را دارند و برای آن نیز به اموری از جمله تاسیس نهادهای جامعه مدنی خصوصاً احزاب، تقویت رسانه ها، سوق دادن مردم به سمت جامعه مدنی و امثال آن که با هزینه های هنگفت مالی و انسانی به همراه است دنبال می شود. در این میان در نظام جمهوری اسلامی اهداف مذکور با بازدید و سفرهای استانی توسط عالی ترین مقام کشوری محقق می شود، این را باید ارائه الگوی جدید در نمونه های ساختار دولتی و مدیریتی دانست، الگویی که برخواسته از سنن نبوی و علوی است. مقام معظم رهبری در همین راستا ۴ استراتژی تبیینی، دیدار، اجرا و مقاومت را در سفرهای خود پیگیری می نمایند.

است، امیر المومنین (ع) به هنگام ورود به کوفه و بصره با مردم به سخن گفتند، امام رضاع (ع) نیز به هنگام ورود به نیشابور و در زمان اقامت خود در مرو نیز با مردم دیدار می کردند و با آنان مستقیم صحبت می فرمودند و هرگز آن را تعطیل نکردند.

حال مقام معظم رهبری به تاسی از همین سنت با ورود به هر استان به شهرهای مهم آن سرزده و با مردم آن خطه دیدار می نمایند. تعداد زیاد دیدار های مختلف مردمی منجر به انگیزه بخشی به مردم برای مشارکت سیاسی و حضور موثر می شود چرا که در چنین دیدارهایی اولاً همگان شاهد می شوند که چگونه حضور تک تک افراد در دلسردی و مقابله با دشمن موثر است و ثانیاً خود را مورد خطاب بالاترین جایگاه سیاستگذاری کشور می یابند، در واقع این حضور به عنوان یک مشارکت سیاسی و نمونه ای از اهمیت حضور تلقی می شود، از همین رو می توان با جدیت بیان نمود که تعداد دیدارها منجر به افزایش مشارکت سیاسی و در نتیجه سهیم شدن مردم در قدرت می شود، امری که در نظام های دموکرات دنیا با هزینه های سنگین تأسیس حزب، به کار گرفتن نیروی انسانی فراوان در احزاب و رسانه ها و امثال آنان دنبال می شود.

۳- استراتژی اجرا (قوه مجریه همپای رهبری در خدمت و آبادانی):

استراتژی مورد بحث در سفرهای اخیر به خوبی جای خود را پیدا نموده است به گونه ای که نه تنها تمامی نامه های مردمی مورد بررسی قرار می گیرد بلکه از سفر فارس به بعد (سال ۸۷) جلسه هئیت دولت در آخرین لحظات سفر با حضور رهبر معظم انقلاب تشکیل می شود. این را باید بالاترین و موثرترین اقدام برای رسیدن به هدف این استراتژی دانست.

قطعاً اطلاع بدون واسطه از پیشرفت ها و اجراییات کشور و در نهایت تصمیم گیری بر مبنای آن، مردم را به پیشرفت کشور مطمئن می سازد.

عدالت در پیشرفت از فواید دیگری است که با حضور در تمامی استان ها محقق می شود. هنگامی که بالاترین مقام تصمیم گیرنده کشوری در تمامی استان ها حضور می یابد سعی خواهد نمود سطح کمی و کیفی زندگی و معنویت را در جامعه هماهنگ کند و رهنمودهای لازم را در این خصوص به قوه مجریه بنماید.

مقام معظم رهبری حتی تشکیل جلسه هئیت دولت را تا بعد از سفر به تاخیر نمی اندازند بلکه تمامی اعضای هئیت وزرا را به استان مورد نظر فراخوانده و بلافاصله پس از مشاهدات و گزارشات مردمی به تصمیم گیری می نشینند. تصمیماتی که بدون چنین استراتژی باید در صف مراحل پیچ و خم مدار بمانند.

۴- استراتژی مقاومت:

شور انقلابی، حضور در صحنه های انقلاب، مقاومت در برابر دشمن

به بهانه نشست‌های راهبردی مقام معظم رهبری

نقش رهبری در ایجاد جامعه نخبگان کشور

نشست‌های راهبردی مقام معظم رهبری فرصت مناسبی برای پرداختن به مسأله نخبگان است. بنیاد ملی نخبگان به عنوان مهم‌ترین ارگان مربوط به نخبگان سعی نموده تا از اوایل دهه هشتاد تا کنون مدیریتی را در زمینه رفتار جامعه و حکومت در قبال نخبگان شکل دهد. اما به نظر می‌رسد که رهبر معظم انقلاب اسلامی از چندین سال قبل در این باره حرکتی را آغاز کردند که یکی از نتایج آن می‌تواند بنیاد ملی نخبگان باشد.

اشاره

اساسنامه بنیاد ملی نخبگان ایران مصوب پانصد و شصتمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی است و اولین رئیس این سازمان به صورت رسمی دکتر پرویز داوودی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، (از تاریخ ۸۵/۱/۲۰ تا ۸۵/۱۱/۱) و پس از او دکتر صادق واعظ‌زاده، عضو هیات علمی دانشگاه تهران (از تاریخ ۸۵/۱۱/۵ تا ۸۸/۶/۳۰) بوده است و از آن تاریخ تا کنون دکتر نسریخ سلطانیخواه، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء ریاست این بنیاد را برعهده دارد. مطابق این روال اولین همایش ملی نخبگان جوان در ۱۳۸۶/۰۶/۱۲ برگزار شد که شرکت‌کنندگان در این همایش به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتند و از آن سال تا کنون به طور منظم سالانه یکی از دیدارهای رهبر انقلاب به نخبگان جوان اختصاص داشته است. اما نکته قابل توجه این است که دقت در دیدارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی با جوانان نخبه‌حاکمی از آن است که ایشان سالها پیش از شکل‌گیری بنیاد ملی نخبگان و برگزاری همایش‌های سالانه نخبگان جوان به دیدار منظم و وقت‌گذاشتن برای نخبگان روی آورده بودند.

رهبری و تشکیل جامعه نخبگی کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سال دیدارهایی مختص دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان، اساتید و دانشجویان، فعالان دانشجویی، مسؤولان دانشگاه‌ها و ... دارند. این تقریباً از ابتدای رهبری ایشان ادامه داشته است و به صورت منظم سالانه جلساتی با حضور این اقشار برگزار شده است و به طور معمول بخش قابل توجهی از جلسه را نیز ایشان مستمع بوده‌اند و به سخنان میهمانان خویش گوش فراداده‌اند. اما از سال ۱۳۸۷ به صورت رسمی جلسه‌ای به همه این جلسات اضافه می‌شود و آن هم دیدار با نخبگان جوان است. این جلسه نه جایگزین جلسات قبلی که مکملی برای آنهاست و در آن مطالبی بیان می‌شود و خطی دنبال می‌شود که در دهه ۸۰ میوه خویش را به صورت جهش علمی و حرکت پرشتاب علمی کشور نشان می‌دهد. در اولین جلسه که در سال ۱۳۷۸ برگزار شده است رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان نخبه بیان می‌دارند: «جوانان عزیز! ببینید اهمیت کار علمی چقدر است؛ اهمیتش درجه

یک است. اگر ما برای یک کشور، عزت و آبرو و رفاه و اقتدار جهانی و پیشرفت‌های علمی بخواهیم، باید از طریق علم وارد شویم. من نمی‌گویم برای سعادت یک جامعه، علم کافی است. می‌بینیم که در دنیا کشورهایی هستند که علم هم دارند، اما واقعاً سعادتمند نیستند و در مشکلات فراوانی دست و پا می‌زنند. قطعاً علم نه فقط یک شرط لازم، بلکه یک شرط لازم بسیار مهم است و باید در کشور پیش برود.» ۱۹/۰۷/۱۳۷۸

نگاهی به روند سخنرانی‌های سالانه رهبری در جمع نخبگان جوان که از سال ۱۳۷۸ به بعد به صورت تقریباً لاینقطع ادامه داشته است نشان از آن دارد که اصولاً مسأله رسیدگی به وضع نخبگان کشور و اقداماتی از قبیل تشکیل بنیاد ملی نخبگان و امثال آن ریشه در پی‌گیری‌ها و توجهات خاص شخص رهبر معظم انقلاب داشته و دارد و ایشان با ایجاد یک حرکت و شکل دادن یک هویت تحت عنوان نخبگان و تلاش برای نهادسازی برای رسیدگی به این حرکت و تداوم این هویت در طول دو دهه گذشته بخش قابل توجهی از حرکت علمی کشور را جهت‌دهی کرده‌اند. چنین امری از اولین سخنرانی ایشان در جمع نخبگان جوان در همان سال ۱۳۷۸ به وضوح قابل دریافت است. ایشان در آن اجتماع با نگاهی به وضع گذشته و تحلیلی از وضع آینده کشور به صراحت بیان می‌دارند: «ما یک عقب‌ماندگی داریم که این را ان شاءالله باید شما جبران کنید؛ یعنی این نسل شما، این زحمت و این مسؤولیت را بردوش دارد که جبران کند. قدری حرکت را سریع کنید و این کار علمی را دنبال بگیرید. حالا که معلوم شد شما بحمدالله استعداد خوبی دارید، آن را به کار بیندازید. مطمئناً در آینده نه چندان دوری ثمرات شیرینش دیده خواهد شد؛ هم شما خودتان خواهید دید، هم ان شاءالله کشور مشاهده خواهد کرد.»

همچنین از بیانات ایشان در سال ۱۳۸۱ که هنوز چیزی تحت عنوان بنیاد نخبگان و امثال آن وجود ندارد مشخص است که ایشان به دنبال یک برنامه مشخص و یک نظم سازماندهی شده برای رسیدگی به امور نخبگان کشور هستند. چنان که بیان می‌دارند: «در مورد کارهایی که باید برای نخبگان جامعه انجام گیرد، یک نکته را عرض کنم. البته در همه مجموعه‌های اجتماعی، برنامه ریزی‌هایی برای قشر متوسط و عمومی می‌شود و چاره‌ای هم نیست. برنامه ریزی‌های عمومی را نمی‌شود با محاسبه نخبگان انجام داد؛ لیکن این حرکت تحصیلی و کاری، بتدریج به نقطه‌ای می‌رسد که باید برای نخبگان حساب ویژه‌ای باز کرد.» (۰۳/۰۷/۱۳۸۱)

توصیه‌های رهبری به نخبگان

اگر بخواهیم برخی از مهمترین توصیه‌ها و مطالبات رهبری از نخبگان جوان در طول این سالها را مورد توجه قرار دهیم به نظر می‌رسد که چهار مورد زیر جزو اولویت‌های اصلی است:

۱. تداوم نخبگی

کسی بگوید علم غربیها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان هم خوب است؛ نه، اینها با هم ملازمه ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ به این علم ضرر هم می زند. علم، مؤلدها و عناصر به وجودآورنده خاص خود را دارد؛ باید آنها را پیدا کرد. فرهنگ بی بندوباری، بی دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادیگری و ارزشهای مادی، فرهنگهای غلطی است که امروز غرب دچار اینهاست.» (۰۳/۰۷/۱۳۸۱)

۴. ضرورت ایجاد یک جهش علمی و جنبش نرم‌افزاری

چهارمین و آخرین نکته مهم دیگر که رهبر معظم انقلاب در مورد نخبگان مورد نظر داشته و دارند ایجاد شبکه‌ای از نخبگان و یک چرخه کامل از حرکت نخبگانی است که در نهایت به یک جنبش نرم‌افزاری و یک جهش علمی منجر شود و به صرف تربیت تک تک افراد نخبه اکتفا نشود: «نکته‌ی دیگر این است که ما مسئله‌ی رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسائی میکنیم، انتخاب میکنیم، کمک میکنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او میدهیم؛ این کافی نیست. باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز میشود؛ یعنی مربیگری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوانها گفت. ما باید استعدادهای نخبه را شناسائی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان اینها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعدادهای برترند؛ انتخاب بهترینها. بعد از آن، نگهداری و ارتقاء است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقاء و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه‌ی دهم است، در آینده‌ی نه چندان دوری به رتبه‌ی اول برسد؛ ارتقاء پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه‌ی نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درون‌زائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما یک چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر می‌رسد که کار پیشرفت خواهد کرد.» (۱۲/۰۷/۱۳۹۱) به نظر می‌رسد که این مساله شکل‌گیری یک جامعه کامل نخبگانی و ایجاد محصول آن که یک جهش علمی و جنبش نرم‌افزاری است از خواسته‌ها و برنامه‌های سابقه‌دار رهبر انقلاب بوده است: «من دو سه سال پیش در یک اجتماع دانشجویی در یکی از دانشگاه‌ها گفتم امروز ما به جنبش نرم‌افزاری احتیاج داریم. یک جنبش و یک حرکت و یک تلاش عمومی لازم است.» (۰۳/۰۷/۱۳۸۱)

آنچه ذکر شد بیان همه نکات مهمی که در این رابطه باید به آنها توجه شود نیست و امید است که یک پژوهش جامع و کلان بتواند منظومه کامل نیازمندی‌های این حیطه را استخراج و در اختیار عموم نخبگان کشور قرار دهد.

از جمله توصیه‌های اصلی رهبر معظم انقلاب به نخبگان مساله تداوم نخبگی و تلاش مجدانه در راه پیشرفت علمی و بسنده نکردن به وضع کنونی است. این نکته در غالب بیانات ایشان در جمع نخبگان کشور تکرار شده است که یکی از واضح‌ترین و صریح‌ترین آنها در آخرین بیانات ایشان در جمع نخبگان آمده است که می‌فرماید: «خوشبختانه توفیق هم پیدا کرده‌اید که از این فرصت تا اینجا استفاده کنید و جزو مجموعه‌ی نخبگانی واقع شوید؛ این مبارک است بر شما؛ لیکن این استعداد، این توانائی، این فعلیتی که تا امروز پیدا کرده‌اید، ورود در یک راه است، آغاز یک راه است، پایان یک راه نیست؛ این را باید همه‌ی نخبگان عزیز جوان ما در نظر داشته باشند. ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به این که جوان با استعداد برجسته‌ی ما توانست در یک بخشی، در یک آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذریه‌ثمرنشسته تبدیل شود به یک نهال برومند، و تبدیل شود به یک شجره‌ی طیبه... خود را در آغاز راه بدانید. سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید. امروز شما نخبه‌اید، اما مسابقه است؛ ممکن است سطح علمی کشور به حدی برسد که این مقدار، نصاب نخبگی نباشد؛ لازم باشد انسان به نصاب بالاتری دست پیدا کند.» (۱۲/۰۷/۱۳۹۱)

۲. همراهی علم با معنویت

تاکید بر معنویت و همراهی علم و دین و تلاش برای پیشرفت در هر دو حیطه از نکات دیگری است که رهبر معظم انقلاب به طور مستمر به نخبگان جامعه تذکر می‌دهند و بیان می‌دارند: «توصیه‌ی دیگر من این است که عزیزان! از خودتان مراقبت کنید. مراد من مراقبت فیزیکی نیست. مراقبت کنید در معنویت، در تهذیب نفس؛ این به شما کمک خواهد کرد. باید بتوانیم چهره‌ی مقبولی در پیشگاه الهی برای خودمان درست کنیم. شما جوانید؛ دل‌هاتان پاک است، روح‌هاتان شفاف است. دست یافتن به رتبه‌ها و مقامات معنوی و روحی در سنینی که شما هستید، شاید بشود گفت ده برابر آسانتر است برای کسی در سنین من. میتوانید توجه پیدا کنید، میتوانید توسل پیدا کنید، میتوانید با خدا انس پیدا کنید، میتوانید خودتان را از گناهان دور نگه دارید.» (۱۲/۰۷/۱۳۹۱)

۳. پرهیز از تقلید از غرب

نکته سوم که رهبر معظم انقلاب بارها و بارها به نخبگان کشور تذکر داده و از آنها چنین مطالبه‌ای داشته‌اند این است که میان اقتباس دانش و استفاده از دستاوردهای علمی غرب از یک سو و تقلید و پیروی کورکورانه از غرب تفکیک ایجاد کنند: «پیشرفت علمی و اقتباس علمی - که من به اقتباس معتقدم؛ اما به ترجمه محض و اکتفای به ترجمه، معتقد نیستم - کاری لازم است و اسلام هم ما را به این، امر می‌کند. به هر حال گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه بزرگی است که

به مناسبت نه‌دی

مدیریت هشت‌ماهه فتنه بازخوانی سخنرانی‌های رهبری

اشاره

رهبر انقلاب همچنين به ظرفیت تحمل برد و باخت اشاره کرده و همگان را به افزایش ظرفیت تحمل خود اشاره کرده و فرمودند که «همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضائل انسانی است؛ ما باید این را هم در نخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم.»

مقام معظم رهبری به نقش دشمنان در اتفاقات و تشنجات چند وزه بعد از انتخابات اشاره کرده و در نکته سنجی ظریفی فرمودند: «هر کس سر کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم می‌شد، بنده به طور اطمینان میتوانم عرض بکنم که باز اینجور حوادثی دیده می‌شد، باز این حوادث پیش می‌آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد.»

خطبه‌های تاریخی؛ فصل الخطاب ۲۹ خرداد

رهبر انقلاب در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ و در پرجمعیت‌ترین نماز جمعه تاریخ انقلاب، ابتدا همه‌گان را به یاد و ذکر خدا دعوت کرده و فرمودند «فضای معنوی جامعه را قدر بدانید، مبادا هیچانهای سیاسی ما را از خدا غافل کند؛ مبادا بگومگوهای گوناگونی که در یک کشور پیش می‌آید - که در میان یک ملت آزاد یک امر طبیعی است - ما را غافل کند، ندانیم به کجا می‌خواهیم برویم.»

رهبری به اتفاق مهم انتخابات یعنی حضور بیش از ۴۰ میلیون نفری در آن، اشاره و عنوان کردند که «این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود.»

مقام معظم رهبری همچنین به هدف اصلی دشمنان در انتخابات اشاره کرده و فرمودند «اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد. و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه‌ی جمهوری اسلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند.»

حضرت رهبری با یادآوری سوابق مثبت تمامی نامزدها هم به آنان و هم به طرفداران آنان، همه را دعوت به آرامش کرده و یادآور شدند که «این چهار نفری که وارد عرصه‌ی این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرمانده‌ی سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه‌ی مقننه‌ی کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند»

دیدبان: مهم‌ترین بخش هشت ماه جنگ نرم مهم‌ترین عامل مهار این فتنه و خنثی‌سازی آن یعنی مدیریت رهبر معظم انقلاب است. سیر تاریخی سخنان رهبر انقلاب در مدیریت هشت ماهه فتنه، نشان می‌دهد که ایشان علم میدان بصیرت را به دوش می‌کشیدند و بیشترین کینه‌توزی‌های دشمنان نیز علیه ایشان رخ داد؛ حضرت رهبری در این ایام علاوه بر مدیریت بحران فتنه، به بصیرت‌افزایی روی آوردند.

در ادامه به بررسی اجمالی سخنان رهبر انقلاب در مدت هشت ماه جنگ نرم دشمن می‌پردازیم:

دیدار با نمایندگان نامزدها در ۲۶ خرداد: یادآوری خاطرات؛ دعوت به آرامش

رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان نامزدها سعی در ایجاد فضای دوستانه میان نامزدها و دعوت به آرامش داشتند و تلاش کردند تا با بیان برخی مطالب، همه نامزدها را به آرامش و پیگیری مطالبات از طرق قانونی تأکید کردند. ایشان در این دیدار به خاطرهای اشاره کرده و فرمودند:

«مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل میکردند که توی یک خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه میشوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن، آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده‌ای این را می‌خواهند در جامعه تحقق ببخشند. این خلاف واقع است.»



آنان برای بسیار آگاه شده بود، اما بودند خواصی که هنوز موضع شفاف نگرفته و با بصیرتی رفتاری از خود بروز می‌دادند که بیشتر کمک به گروه فتنه‌گر بود. رهبر انقلاب در این ایام فرمودند « بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟»

تنفیذ ۱۲ مرداد: خواص مردود؛ مقابله با مسجد ضرار

حضرت رهبری با ذکر این جمله که در انتخابات اخیر « بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضی‌ها را مردود کرد؛ همچنین به ویژگی‌های ملت ایران اشاره و تأکید کردند که « این ملت، ملت با ایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت با استعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد.» ایشان همچنین تأکید کردند که باید سراغ آسیب دیدگان حوادث رفت و از آنها حمایت کرد و با هر آسیب زننده‌ای باید برخورد شود.

سخنرانی ۱۴ شهریور؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟

رهبر انقلاب در دیداری که با شاعران و هنرمندان در این روز داشتند به صف آرایی دشمن در برابر نظام و ارزش‌های انقلاب اشاره کرده و فرمودند « من دارم می‌بینم صحنه‌ را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند؛ اینها را انسان دارد می‌بیند... چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟» ولی داستان هم‌چنان ادامه یافت و برخی خواص هم‌چنان نمی‌دیدند.

خطبه‌های ۲۰ شهریور؛ اشتباه برخی دلسوزان

داخلی در شناخت مردم

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود که مصادف با ۲۱ ماه رمضان بود به بعضی صحبت‌های دشمنان و برخی غافلان داخلی درباره سلب اعتماد مردم از نظام اشاره کرده و یادآور شدند « حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل هم‌نوا با آنها، هی اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! ... حالا

رهبر انقلاب هشدارهایی هم به سیاسیون و نامزدها دادند که « زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است. من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.» ایشان همچنین تأکید کردند که نظام در اهداف خود جدی است و « این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است.»



سخنرانی ۷ تیرماه: تأکید بر مسیر قانونی

رهبر انقلاب در جمع عوامل دستگاه قضایی کشور بهترین راه برون رفت از وضعیت آن روز کشور را تمکین به قانون معرفی کرده و ضمن مخالفت به خط کشی کردن مردم به دو گروه مخالف و موافق نظام عنوان کردند: « در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی‌قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اذیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی‌قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت‌تر است. این را باید همه توجه کنند.»

سخنرانی ۵ مرداد ماه: تأکید بر بصیرت؛ و لایحمل

هذا العلم، الّا...

پس از آنکه مدتی از آغاز فتنه‌های فتنه‌گران گذشته بود، و باطن

دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است... البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است».

رهبر انقلاب با تبیین اهمیت بصیرت در میان خواص و جریانهای سیاسی فرمودند « عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.»

رهبر انقلاب با شرح حدیث امیرالمؤمنین (ع) درباره نحوه برخورد با فتنه فرمودند «بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنه کابن اللبسون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.»

هشدار اصلی رهبر انقلاب در این سخنرانی، به خواص جامعه بود... خواصی که ایشان چندی قبل فرموده بودند برخی از آنان مردود شده اند.



بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان‌شاءالله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکم قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت.» اشاره رهبر انقلاب به خطبه‌های هاشمی رفسنجانی بود که به دنبال راه حل می‌گشت تا اعتماد مردم دوباره به نظام برگردد!! و البته در ادامه تاریخ، همان گونه رقم خورد که رهبری پیش بینی کردند؛ و آن همانا حضور پرشور در انتخابات مجلس بود.

خطبه‌های عید فطر، ۲۹ شهریور؛ حجیت اعتراف اشخاص علیه خود

خطبه‌های عید فطر سال ۸۸ مصادف بود با روزهایی که دادگاه متهمین اغتشاشات در تهران محاکمه و اعترافات و جلسات دادگاه آنها از تلویزیون پخش می‌شد. در آن روزها این مطلب از سوی عده‌ای که برخی از آنها به ظاهر هم در سلک روحانیت بودند، مطرح گردیده بود که اعترافات در دادگاه‌ها حجیت ندارد و سعی در اسقاط حجیت احکام دادگاه نمودند؛ ولی معظم فقیه در خطبه‌های خود به این نکته توجه دادند که «اینکه در دادگاه‌ها - که در تلویزیون هم پخش میشد - از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هر چه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره‌ی خودش اگر اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی‌ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست.»

دیدار ۲ مهر با خبرگان؛ هشدار به خواص غافل... تأکید فراوان بر بصیرت

رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در این روز با یادآوری خطر ریزش و اغفال خواص توسط دشمن تأکید کردند: «یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن

سخنرانی ۱۵ مهر در نوشهر؛ بصیرت، قطب‌نمای حرکت

رهبر انقلاب در این سخنرانی خط تأکید خود بر بصیرت را بار دیگر پی گرفته و برای چندمین بار بر وجود و نیاز به بصیرت در تمامی افراد اشاره کرده و فرمودند «اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب‌نما همان بصیرت است.»

سخنرانی ۴ آذر در جمع بسیجیان؛ بصیرت... بصیرت... بصیرت...

حضرت رهبری در سخنرانی خود در جمع بسیجیان به اهداف دشمن در جنگ نرم اشاره کرده و فرمودند «یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند... خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغی‌های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آنها میخواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن میخواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود... این خوب است.»

سخنرانی ۲۲ آذر در جمع مبلغین روحانی؛ و باز هم بصیرت...

رهبر انقلاب در این سخنرانی با تأکید بر اهمیت مسئله تبلیغ عنوان کردند که «اصل مسئله‌ی تبلیغ، ناظر است به عمل، همراه با بصیرت و یقین»؛ ایشان با اشاره به برخی اتفاقات روز قدس و شعارهای منحرفین که به دنبال فتنه‌گری بودند، فرمودند که «آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. چرا متنبه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم.» ولی با این وجود سران فتنه گویا نمی‌دیدند و نمی‌شنیدند... صمّ بکم عمی...»

تأکیدات رهبر انقلاب بر بصیرت - مخصوصاً در خواص - در ۹ دی اما از سوی مردم اجابت شد، مردمی که به تعبیر رهبر انقلاب نقش خود را از همان آغاز به درستی انجام می‌دادند و طومار فتنه‌گران را بصیرت مردم به هم پیچید و بسیاری از خواص نیز مردود شدند.



تعمیق بیان رهبر انقلاب در ذم شعار "جانم فدای رهبر"

فاضل باشد هیچ گونه اختلاف نظری میان مسلمانان بروز نکرد. اختلاف فقط در موضوع بود.

چون حکومت اسلام حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد. چنانکه در روایت آمده است. نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه و مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد. منتها حاکم باید افضلیت علمی داشته باشد. ائمه ما برای امامت خودشان به همین مطلب استدلال کردند که امام باید فضل بر دیگران داشته باشد. [۱] و ...

«قانوندانی» و «عدالت» از نظر مسلمانان شرط و رکن اساسی است. چیزهای دیگر در آن [زمامداری] دخالت و ضرورت ندارد. مثلاً علم به چگونگی ملائکه، علم به اینکه صانع تبارک و تعالی دارای چه اوصافی است هیچ یک در موضوع امامت دخالت ندارد. چنانکه اگر کسی همه علوم طبیعی را بداند و تمام قوای طبیعت را کشف کند، یا موسیقی را خوب بلد باشد، شایستگی خلافت را پیدا نمی‌کند. و نه به این وسیله بر کسانی که قانون اسلام را می‌دانند و عادلند نسبت به تصدی حکومت اولویت پیدا می‌کند. آنچه مربوط به خلافت است و در زمان رسول اکرم (ص) و ائمه ما (ع) درباره آن صحبت و بحث شده و بین مسلمانان هم مسلم بوده، این است که حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بداند، یعنی قانوندان باشد؛ و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد.

عقل همین اقتضا را دارد؛ زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون است، نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم. اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست؛ چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می‌شود. و اگر نکند، نمی‌تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد...

۴. عدالت؛

زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد؛ و دامنش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می‌خواهد «حدود» جاری کند، یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا گذارد، متصدی بیت المال و خرج و دخل مملکت شود، و خداوند اختیار اداره بندگانش را به او بدهد، باید معصیت کار نباشد: «قال لا ینال عهدی الظالمین».

[۲]

خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی‌دهد. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیاتها و صرف صحیح آن، و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد؛ و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید، و بیت المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی خویش کند. [۳]

بر این اساس می‌توان گفت که حاکم اسلامی نمی‌تواند بر اساس میل و اراده شخصی خود عمل کند و علاوه بر آگاهی که نسبت به قوانین اسلامی دارد، یعنی مجتهد بودن، بایستی دارای عدالت و تقوا

رهبر انقلاب با بیان این که ارتش زمان شاه مدعی بود که «برای حفظ شخص طاغوت» شکل گرفته و فعالیت می‌کند افزودند «ارتش جمهوری اسلامی ایران تنها ارتشی است که در خدمت مردم و منافع ملی است و اعتقادات و احساسات بدنه و فرماندهان آن نیز همانند آحاد مردم است.»

فرمانده کل قوا در ادامه خاطر نشان کردند این که نیروهای نظامی اظهار کنند که جان خود را فدای یک شخص می‌کنند درست و «شرعی» نیست بلکه همه‌ی نیروهای نظامی باید جان خود را فدای اسلام کنند و خود آن شخص نیز جان خود را فدای اسلام کند.

گفتنی است که شعار «جانم فدای رهبر» از شعارهای مرسوم نیروهای نظامی ارتش و سپاه و نیروی مقاومت بسیج است که جزء همیشگی تبلیغات مناسبتی واحد فرهنگی این نیروها و هم‌چنین شعار ثابت صبح‌گاه‌های نظامی است. در مراسم فارغ‌التحصیلی نظامیان با حضور رهبری نیز، فارغ‌التحصیلان به هنگام دریافت سردوشی از دست ایشان به همراه ادای احترام نظامی شعار «الله اکبر، خامنه‌ای رهبر، جانم فدای رهبر» سر می‌دهند.

اشاره

بحث ولایت محوری یا شخص محوری همواره یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین بحث‌های مربوط به ولایت فقیه در ۳۳ سال گذشته از انقلاب اسلامی بوده است. در نظام اسلامی شخص ولی فقیه - هر چند دارای نقش بسیار مهمی است - اما این نقش فرعی است و نهاد ولایت، اصالت دارد و شخص ولی فقیه نیز مثل دیگر اعضای جامعه در برابر قانون مساوی است و حتی مقدم از بقیه بایستی آماده دفاع از اسلام و شهادت در راه خدا باشد. بر این اساس در این نوشتار ابتدا به شرایط حاکم اسلامی پرداخته و سپس نتایج عدم توجه به ولایت محوری را مورد توجه قرار می‌دهیم.

شرایط حاکم اسلامی

در نظام اسلامی بین ولی فقیه و مردم رابطه و نسبت «محبت» برقرار است و این محبت دوطرفه است که، باعث اطاعت مردم از ولی فقیه می‌شود؛ این محبت آنچنان هم که در نگاه اول به نظر می‌رسد، چندان بی معیار و بی قانون نیست. در اسلام «شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱. علم به قانون؛

چنانکه پس از رسول اکرم (ص) وقتی در آن کس که باید عهده‌دار خلافت شود اختلاف پیدا شد، باز در اینکه مسئول امر خلافت باید

۲. تبعیت کورکورانه از ولایت

هنگامی که شخص، در نظام اسلامی معیار اطاعت و عدم اطاعت قرار گیرد، باعث به وجود آمدن نظامی شخص محور می شود که مبنای این نظام، نه تنها اطاعت از دستورات اسلامی نیست، بلکه تنها منافع و امیال شخص حاکم است؛ در این نوع نظام، هر گونه اطاعت از فرامین حاکم، مساوی با اطاعت از اسلام در نظر گرفته می شود و اطاعت کنندگان لزومی بر عدالت و تقوای حاکم نمی بینند.

۳. سست شدن رابطه حاکم با مردم

اگر نسبت و رابطه بین مردم و ولی فقیه، بر اساس مبنای صحیح و اسلامی باشد و شخص به تنهایی معیار نباشد، این رابطه بسیار وثیق و محکم خواهد بود و به راحتی گسسته نخواهد شد، در صورتی که هنگامی که شخص، معیار همه چیز باشد این رابطه به نسیمی بند است و می تواند به مرور زمان کم رنگ شود و یا در تعارض با منافع دیگر به بعضی تبدیل شود.

نیز باشد. این عدالت و تقوا، ضامن بقای نظام اسلامی است و هرگاه که ولی فقیه از دایره این عدالت خارج شد، خود به خود از ولایت عزل می شود. [۴]

مساله مهم دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد، مساوی بودن شخص ولی فقیه با دیگران در برابر مقاصد و اهداف اسلامی است. این بدان معناست که هدف اساسی در نظام اسلامی، حفظ اسلام و نظام اسلامی است و در این راه هر فردی باید آماده جان فشانی باشد و نمی توان قشر خاصی را برای حفاظت از اسلام در نظر گرفت و بقیه را از این وظیفه خطیر مبرا دانست. «ارتش برای ملت و ملت برای ارتش، و هر دو فدای اسلام. همه ما فدای اسلام هستیم و همه ما برای هم هستیم، پشتیبان هم هستیم و فدایی اسلام هستیم.» [۵] حتی می توان بالاتر از این را نیز در نظر گرفت و نقش علمای اسلامی را در حفظ اصل اسلام، مهم تر و بنیادی از دیگر قشرها دانست. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «اسلام را ما باید همه مان فدایش بشویم. پیغمبر هم فدای اسلام شد. سید



مقایسه دو نوع شعار (گفتنی است علاوه بر رسالت دینی و اسلامی در رعایت چارچوب شعارها، باید فضای برداشت اجتماعی و سیاسی نیز در قالب بندی شعارها لحاظ گردد).
شعارهایی که تذکر جدی رهبر معظم انقلاب را برانگیخته است ممکن است از سوی سایر مخاطبان مورد برداشت نادرست قرار گیرد.)

منابع:

- ۱- حضرت علی علیه السلام: «ای مردم سزاوارترین مردم برای خلافت، تواناترین و داناترین ایشان به دستورهای خداوند است». نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲.
- ۲- «گفت عهد و پیمان من به ظالمان نمی رسد»، سوره بقره، آیه ۱۲۴.
- ۳- کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صص ۴۹-۴۷.
- ۴- اگر فقیه‌ی بر خلاف موازین اسلام کاری انجام داد «نعوذ بالله» فسقی مرتکب شد، خود به خود از حکومت منعزل است، زیرا از امانتداری ساقط شده است (پیشین، ص ۷۳).
- ۵- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۷، ص ۱۲۷.
- ۶- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۵، ص ۱۴.

الشهدا هم فدای اسلام شد. اسلام بزرگترین چیزی است که ودیعه خداست در بشر. ما باید عزممان را مصمم کنیم که در این راه شهید بشویم و علما بیشتر» [۶]

نتایج شخص محوری

۱. انحراف از خط ولایت

وقتی عمیق تر به رابطه مردم با حجت الهی می نگریم و ابعاد و عمق این محبت را بررسی می کنیم متوجه این نکته می شویم که عموماً این محبت ها بر محور شخص پیامبر نه به عنوان پیامبر و حجت الهی، بلکه محبت به شخص محمد امین صلی الله علیه و آله و سلم است. همین امر باعث شد که بسیاری از یاران پیامبر بعد از رحلت ایشان به مخالفت با حضرت علی علیه السلام بپردازند و واقعه غدیر را به راحتی فراموش کنند.

نگاهی به ابعاد گفتمان دولت‌ها

هدفگذاری گفتمانی
رهبر انقلاب برای دولت‌ها

اشاره

اینگونه تفسیر نمودند: بتدیل هر نقطه خراب و فاسد به یک نقطه صحیح ۲. مقام معظم رهبری با توجه به این تعریف اصلاحات را به آمرکایی و اسلامی تقسیم نمودند و اصلاحات اسلامی را از لازمت هر انقلابی بر شمردند.

در ابتدای دولت عدالت محور نیز از هیئت وزیران درخواست می کنند تا تعریفی جامع از عدالت داشته باشند و خود عدالت را عین حق و حق را عین عدالت ۳ تعریف نموده عقلانیت و معنویت را ملازم آن می دانند و دولت را از توجه به تعاریفات مارکسیستی بر حذر می دارند.

گفتمان	تعریف
سازندگی	آبادانی و توسعه و نوسازی در تمام ابعاد
اصلاحات	بتدیل هر نقطه خرابی، فاسدی، نارسایی به یک نقطه صحیح
عدالت	عدالت عین حق و حق عین عدالت است.

هدفگذاری گفتمان

هدفگذاری برای گفتمان و خط حرکت دولت‌ها می تواند ضمن مانع شدن از انحراف دولت‌ها به بالا رفتن کارایی آنان کمک نماید چرا که با هدفگذاری نیروی کم تری هزرز خواهد رفت. از همین رو امام خامنه ای به هدفگذاری دولت‌ها برای گفتمان خود بسیار تاکید می نمایند.

ویژگی های هدفگذاری رهبری برای گفتمان‌ها:

۱- هدفگذاری پله کانی: هدفگذاری پله کانی یعنی تقسیم غایت به کوتاه مدت و بلند مدت. بر اساس این ویژگی و با توجه به هدف غایی حکومت اسلامی اهداف میان مدت را برای رساندن جامعه طی مدت طولانی به هدف نهایی به صورت پله کانی در آورده و در یک دوره چند ساله بدان مساله می پردازند.

۲- تکمیل گفتمان‌ها ی قبلی: در شرایط بعد از جنگ و تخریب زیرساخت‌های عمرانی، اقتصادی در کشور رهبری در ادامه گفتمان مطرح شده توسط امام خمینی (ره) هدف گفتمان سازندگی را اقتدار سیاسی، نظامی، اقتصادی، از بین رفتن فقر، عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، نوسازی معنوی و... دانسته اند که این اهداف را در طول بنای تمدن اسلامی می دانند. در گفتمان اصلاحات نیز با هدف اصلاح مفاسد، نارسایی‌ها و نقاط ضعف در تمام عرصه‌ها در سال ۱۳۷۹ باز سازی می شود. این هدف پس از دوره اصلاحات و به روی کار آمدن گفتمان عدالت نیز مورد توجه قرار داده و خواستار پیگیری آن می شوند.

دیدبان: خط دهی کلی و برنامه دهی به دولت‌ها از اختیارات و وظایف ولی فقیه شمرده شده است. مقام معظم رهبری همواره بر این خط دهی کلی و هدفگذاری‌های بلند مدت و کوتاه مدت اهتمام ورزیده اند، از همین رو همواره به ریل گذاری برای دولت‌ها اقدام نموده اند. تبیین مسیری که مسئولین باید طی نمایند از موارد دیگری است که ایشان به بیان آن می پردازند. رهبری در هدفگذاری گفتمانی دولت‌ها استراتژی ثابتی را اجرا کرده اند، که این استراتژی به ۶ بخش تقسیم نمودند.

تعریف کردن گفتمان

در ابتدای هر راه باید مسیری را که طی میکنیم شناخت، این شناخت جز با تعریفی جامع و کامل به دست نمی آید. در سیره رهبری، ایشان ابتدا به تعریف گفتمان پرداخته و مبانی آن را بیان می کنند. رهبری با تعاریف اسلامی گفتمان‌ها، از بیراهه رفتن‌ها و سوء استفاده‌ها جلوگیری میکنند. سیره ای که در رفتار علمی بزرگانی همچون امام خمینی و شهید مطهری می توان مشاهده نمود. ایشان علاوه بر تعریف خود از دولت‌ها می خواهند تا خود به تعریف تخصصی گفتمان‌ها در چهارچوب اسلامی و بر پایه مبانی اسلام بپردازند، چرا که تعریف درست مانع ضربه‌های بعدی از سوی دولت به گفتمان می شود.



در سه گفتمانی که ۶ دولت اخیر بر پایه آن به اداره کشور پرداخته اند این موضوع را می توان به روشنی دریافت. رهبری سازندگی را به معنای آبادانی و توسعه و نوسازی در تمام ابعاد می دانند. پیرامون گفتمان اصلاحات که جنجالهای سیاسی را در پی داشت، ابتدا با تأیید گفتمان اصلاحات، آن را بر مبنای «خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» و «لنری معالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک» ۱

فساد در تمام ابعاد را مورد اشاره برای اصلاح قرار دادند. ایشان عدالت را نیز تنها در زمینه های اقتصادی و اجتماعی ندانسته و معتقد به عدالت اخلاقی، سیاسی و... بودند. در کل چون اهداف اسلامی شامل تمامی ابعاد زندگی بشری می شود، برنامه حکومت اسلامی برای انسان باید شامل تمامی ابعاد انسانی باشد.

گفتمان	ابعاد
سازندگی	بعد معنوی: خودسازی، سازندگی تربیتی بالاخص در دانش آموزان و دانشجویان و سازندگی فرهنگی بعد مادی: سازندگی اقتصادی، سیاسی، صنعتی و...
اصلاحات	بعد معنوی: اسراف، مصرف گرایی، بی انضباطی، روابط جنسی ناسالم، اعتیاد و... بعد مادی: اصلاح در مسائل اقتصادی، اداری، قضایی، امنیتی، قوانین و مقررات، مسائل سیاسی و ...
عدالت	عدالت سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی

ترسیم خط مشی برای مسئولان رهبری در هریک از گفتمان ها خط مشیی را برای مسئولان ترسیم کرده وظایف آنها را برمی شمارند. با این عمل مسئولین از بیراهه رفتن ها و پرداختن به مسائل فرعی منع شده تنها به مسئله اصلی که رسیدن به اهداف گفتمان است خواهند پرداخت. جهادی کار کردن و پرهیز از تنبلی از توصیه هایی است که باعث نزدیک شدن به اهداف می شود. یکی دیگر از مطالبی را که رهبری همیشه از مسئولین مطالبه کرده اند و رمز پیروزی گفتمان ها می دانند وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و تنش های بیپهوده بوده است تا تمام توان کشور به سوی اهداف ترسیم شده هم جهت شود نه آنکه مسئولین به اصطکاک نیروهای یکدیگر بپردازند. در دولت سازندگی پرداختن به شعار دولت به عنوان کار اصلی، سهیم کردن مردم در سازندگی، برنامه ریزی، اراده قوی و پایه گذاری تمدنی را از وظایف مسئولان دولت بر می شمارند.

وظیفه مسئولان در دوره اصلاحات را توجه به تعریف اصلاحات و پایبندی به اصلاحات اسلامی و دوری از اصلاحات آمریکایی، رفتن به سوی اصلاحات در تمامی ابعاد و جهات، قاطعیت و اصلاح در اقدام، لزوم ایجاد یک مرکز مقتدر برای اجرای اصلاحات، انجام تدریجی اصلاحات و... ترسیم می کنند. شهریور ۱۳۸۴ در دیدار هیئت دولت تعریف عدالت، لزوم همراهی عدالت با معنویت و عقلانیت، تقسیمات عادلانه نه بی حساب و کتاب، برخورد با فساد و... را از وظایف دولت بر شمردند. تمامی دولت ها به عنوان بازوی اجرایی گفتمان ها از سوی رهبری امر به دخیل کردن مردم برای پیشبرد اهداف شده اند.

مسئولان اگر به تمامی وظایف خود در همه ابعاد عمل نکنند برخی



همانگونه که در سال های ابتدایی دولت اصلاحات نیز بر ادامه سازندگی تا رسیدن به اهداف در تمامی پافشاری می کنند. این هدفگذاری ها علاوه بر دو خصلت فوق بر اساس واقعیات جامعه و نیازها برنامه ریزی شده است.

گفتمان	اهداف
سازندگی	اقتدار سیاسی، نظامی، اقتصادی، از بن رفتن فقر، عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، نوسازی معنوی و...
اصلاحات	هدف اصلاح مفاسد، نارسایی ها و نقاط ضعف در تمام عرصه ها
عدالت	تحقق عدالت در تمامی زمینه ها در جامعه

توجه به ابعاد گفتمان

توجه به دو بعد مادی و معنوی در گفتمان بسیار مهم است: دولت ها نه بدون توجه به نیازهای مادی می توانند نیازهای معنوی را به سر انجام برسانند و نه اینکه نیازهای مادی بدون توجه به نیازهای معنوی قادر به جوابگویی می باشند. در دوران سازندگی رهبری این گفتمان را در دو بعد مورد بررسی قرار داده و توجه توامان به این دو را مطالبه می کنند. در بعد معنوی به خودسازی، سازندگی تربیتی بالاخص در دانش آموزان و دانشجویان و سازندگی فرهنگی پرداخته و در کنار آن به بعد مادی نیز توجه کرده و به ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و... می پردازند.

در عصر اصلاحات نیز، اصلاح را محدود در مسائل اقتصادی، اداری، قضایی، امنیتی، قوانین و مقررات، مسائل سیاسی و ... ندانسته و مواردی همچون اسراف، مصرف گرایی، بی انضباطی، روابط جنسی ناسالم، اعتیاد و... را هم از موارد لازم برای اصلاح دانستند. در کل

سطحی نشدن، جلوگیری از گرایش به غرب را از ملزومات آن برشمردند. پیرامون عدالت نیز ایجاد موانع توسط مفسد و دوری عدالت از معنویت و عقلانیت مورد توجه قرار داده شده و اینکه دشمن نیز برای به سر انجام نرسیدن این گفتمان تمام تلاش های خود را خواهد نمود.



بسیج مردمی

ششمین و آخرین استراتژی رهبری برای به ثمر رساندن گفتمان ها پشتوانه سازی مردمی برای گفتمان ها بوده است. وقتی ایده یا گفتمانی توانایی اجرایی شدن و نتیجه بخش شدن را داراست که از پشتوانه مردمی برخوردار بوده و همچنین مردم در به ثمر رساندن آن نقش داشته باشند همانگونه که سرمایه اصلی انقلاب و پشتوانه اصلی آن به حساب می آیند. در تمامی دولت ها با گفتمان های مخصوص به خودشان، رهبری با توصیه مردم به همت و تلاش، ابتکار، همکاری با دولت، ورود پیدا کردن گفتمان ها به زندگی شخصی، احساس تکلیف نسبت به سرنوشت جامعه، حضور فعال در اجرای گفتمان و جلوگیری از انحراف مسئولان از صراط اصلی؛ بسیجی عمومی برای به ثمر رسیدن هر کدام به وجود آورد.

جمع بندی

در نهایت می توان استراتژی رهبری را اینگونه ترسیم کرد که برای اجرایی کردن هر گفتمان ابتدا باید هدف را شناخت بعد راه را ترسیم و شناسایی کرده توشه ملزوم برای سفر را به همراه برداشت، موانع و آسیب ها را کنار زد، تمامی ابعاد مقصد و راه را دید و در آخر به پشتوانه مردم و با وحدت کلمه راه در قدم نهاد تا بتوان بدون انحراف از صراط به اهداف حقیقی رسید.

پی نوشت:

- ۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۷۹
- ۲- همان
- ۳- بیانات در دیدار هیئت دولت ۶/۸/۱۳۸۴

اهداف به ثمر می رسد که به همراه خود عوارضی را در پی خواهد داشت. رهبری در کنار گوشزد کردن وظایف از تمامی دولت ها برای رسیدن به اهداف حمایت همه جانبه کرده و در کنار آن دست آورد های هر یک را برشمره و از آنها تقدیر کرده اند.

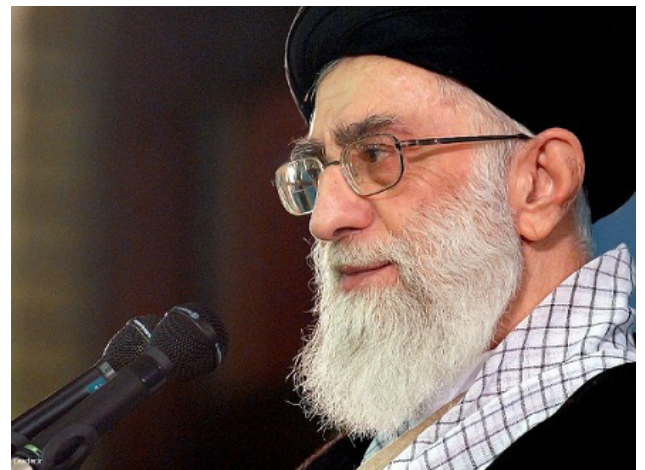


آسیب شناسی گفتمان

در هر راهی که به مقصدی متعالی منتهی شود موانع، آسیب ها و دشمنی هایی وجود دارد که در صورت عدم توجه و شناخت درس به انحراف از صراط حقیقی می انجامد، که در اسلام برای مقابله با آنها جهاد و هجرت مطرح شده است. البته این آسیب ها از دو سو؛ بیرون و درون فرد یا جامعه را تهدید می کند و موانع را به وجود می آورد. رهبری جامعه اسلامی وظیفه دارد تا با شناخت موانع، آسیب ها و دشمنی ها به جامعه و مجریان هشدار داده برای گذر از موانع آنها را هدایت کند. بصیرت، عمل به هنگام، اعتماد به نفس، امید به آینده و... نکاتی است که می تواند مسئولین و مردم را از موانع عبور دهد. در دوران سازندگی رهبری تنبلی، بی برنامه گی و بی قانونی را از موانع اصلی در این موضوع دانسته و لزوم وجود روحیه انقلابی در کنار سازندگی، غرق نشدن در رفاه عمومی، از بین رفتن روحیات اسلامی و خلقیات حسنه، نرفتن به سوی بیگانه برای سازندگی (خود اتکایی)، جذب دنیا نشدن، توجه به عدالت اجتماعی، جلوگیری از سوء استفاده های سیاسی و... را برای عدم انصراف از این راه گوشزد کردند و برنامه دشمن را مانع تراشی و جلوگیری از سازندگی برای ناتوان جلوه دادن اسلام از سازندگی اعلام نمودند. برخی اصلاحات را یکی از موانع و آسیب ها برای انقلاب اسلامی می دانستند که رهبری با مخالفت صریح اصلاحات را از ملزومات دانسته موانع آن را تندروی و اجرای اصلاحات به سبک آمریکایی دانسته و اجرای طولانی مدت، عمقی بودن و

مذاکره‌ای بی ثمر شروط‌رهبری برای مذاکره با آمریکا

مذاکره با ایران هستیم.



مدتی است که بحث درباره مذاکره با آمریکا در کشور اوج گرفته است، این اوج گیری بعد از سفر رئیس جمهور به نیویورک و اتخاذ برخی مواضع از جانب ایشان و همچنین به دنبال داغ شدن تبلیغات انتخاباتی در آمریکا به وجود آمده است؛ از سوی دیگر، دولت بارک اوباما در تلاش است تا با حل موقتی مشکل ایران بتواند خود را ضد تنش معرفی کرده و اعتماد مردم آمریکا را به خود جلب کند، از همین رو شاهد پیغام‌ها و حرف‌های اخیر دولت آمریکا مبنی بر آمادگی برای مذاکره با ایران هستیم.

البته این اعلام آمادگی امر جدیدی نیست، تمایل آمریکا برای مذاکره با ایران بر سر مساله عراق در سال ۱۳۸۴، ادعای اوباما در اوایل دولت خود مبنی بر تمایل برای برقراری رابطه با ایران، تبریک نوروز به مردم ایران توسط اوباما و پیام‌های اخیر از جمله مواردی است که دولت آمریکا تمایل خود را بیان کرده است.

در جمهوری اسلامی ایران تعیین کننده و تصمیم گیرنده اصلی در مورد سیاست‌های کلانی مثل ماجرای مذاکره و رابطه با آمریکا مقام معظم رهبری است، ایشان مقابل پیشنهادها و ادعاها پاسخ‌هایی را به ایالات متحده داده‌اند، پاسخ‌هایی که هیچگاه طرف مقابل را دلخوش ننموده است؛ برخی از این پاسخ‌ها مربوط به شرایط کنونی آمریکا و چرایی عدم پذیرش این تقاضاهاست و

مدتی است که بحث درباره مذاکره با آمریکا در کشور اوج گرفته است، این اوج گیری بعد از سفر رئیس جمهور به نیویورک و اتخاذ برخی مواضع از جانب ایشان و همچنین به دنبال داغ شدن تبلیغات انتخاباتی در آمریکا به وجود آمده است؛ از سوی دیگر، دولت بارک اوباما در تلاش است تا با حل موقتی مشکل ایران بتواند خود را ضد تنش معرفی کرده و اعتماد مردم آمریکا را به خود جلب کند، از همین رو شاهد پیغام‌ها و حرف‌های اخیر دولت آمریکا مبنی بر آمادگی برای

برخی دیگر نیز مربوط به شروطی است که جمهوری اسلامی برای شروع مذاکرات مطرح نموده است.

۱ - علت عدم پذیرش مذاکره

الف - گذشته ناسالم آمریکا

"مشکل ملت ایران با آمریکا مشکل کارهای امروز نیست؛ مشکل پنجاه و چند سال مودیگری و خیانت از سوی آن رژیم نسبت به ملت ایران است؛ از سال ۱۳۳۲ تا امروز، بعد از پیروزی انقلاب هیچ روزی نبوده است که آمریکا نسبت به ملت ایران نیت خیری داشته باشد." [۱]

آنچه که در مذاکره و ایجاد روابط مهم است اعتماد دو طرف است، این اعتماد را می توان از راه های مختلف به دست آورد یکی از این راه ها ضمانت اجرایی است، مثلا تعیین خسارت های مالی، تهدید های نظامی، توازن قوا و... ایالات متحده نشان داده است که هیچکدام از موارد فوق را به عنوان پشتوانه اعتماد آفرینی قبول نمی کند، چرا که اهرم های سیاسی بین المللی به گونه ای تنظیم شده که ایالات متحده می تواند آن را به سمت خود تغییر دهد از همین رو ابتدای مذاکره با آمریکا انتهایی جز رویارویی جدی و یا پایین آمدن از مواضع نخواهد داشت.

در واقع با توجه به پیشینه آمریکا اگر شروعی بر مذاکرات اتفاق بیافتد نهایتا یا باید به خواسته های طرف مقابل تن داد و یا آنکه تقابل را جدی نمود که این همان نقطه ای است که امروزه در آن قرار داریم، تلاش آمریکا برای حل مساله گروگان گیری به صورت غیر دیپلماتیک که منجر به حادثه طیس شد به خوبی شاهد این مدعاست.

به دلیل همین سابقه ناسالم است که مقام معظم رهبری فرمودند "دشمن حتی اگر دانهی خرمائی هم به ما بدهد نمی توان مطمئن بود که آن را انباشته از زهری کشنده نکرده باشد."

ب - مشکل ریشه ای و گفتمانی با آمریکا

بسیاری از کشور ها بر سر مساله ای و یا سیاستی دچار مشکل می شوند اما بعد از مدتی با یکدیگر به مذاکره نشسته و تنش را

کاهش می دهند، این رفتار را در سیاست خارجی ایران نیز می توان مشاهده نمود؛ این مذاکرات و کنار آمدن ها زمانی اتفاق می افتد که اختلاف بر سر منافع حیاتی نباشد.

منافع حیاتی کشورها منافی است که حیات و بقای یک نظام سیاسی کشور به آن مرتبط باشد به عنوان مثال حفظ استقلال کشور، دفاع از کیان اسلام از اهداف حیاتی نظام جمهوری اسلامی است به این معنا که اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد بر سر این منافع حیاتی مذاکره نماید و آنان را به خطر اندازد چرایی وجود نظام اسلامی در ایران زیر سوال می رود و این یعنی پایان دادن به حیات جمهوری اسلامی.

اختلافات ایران با آمریکا از سنج همین منافع حیاتی است، اختلاف بر سر یک مساله سیاسی نیست، از همین رو مذاکره با آمریکا یعنی تیشه به ریشه خود زدن و تمامیت خود را از بین بردن که قطعا چنین اقدامی بدور از عقل است. "مسئله ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دوتا موضوع جهانی یا بین المللی یا منطق های باهم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئلهی مرگ و زندگی است؛ مسئله هست و نیست است" [۲]

این اختلاف گفتمانی و مبنایی ریشه در تقابل روحیه اسلام گرایی مردم ایران و خوی استکباری آمریکا دارد. "دشمنی نظام مستکبر امریکایی و هر مستکبری در دنیا با نظام اسلامی، به خاطر پرچم برافراشته عدالت است؛ به خاطر این است که می بیند با نام اسلام و با تعالیم والای اسلام کشوری دارد به سمت رشد و توسعه و پیشرفت علمی و عملی حرکت می کند؛ می داند که این، جلوی نفوذ آن ها را خواهد گرفت." [۳]

ج - مذاکره عامل تشدید فشارهای آمریکا

"شما وقتی با کسی قهرید، وقتی با کسی حرف نمی زنید، رودربایستی باهم ندارید. در مقابل هم، هیچ حالت توقعی وجود ندارد. اما وقتی با کسی مذاکره شروع شد؛ پشت میز نشستید؛ یک قهوه باهم خوردید؛ یک گپ دوستانه هم در کنارش باهم زدید؛ در فلان محفل بین المللی نشستید و با همدیگر یک خرده درد

و زشتی را هم به کار بردند؛ بعضی از مسئولین امریکایی بر اثر همان خوی تکبر و دروغگویی، حتی گفتند این به منزله‌ی احضار مسئول ایرانی است. من عرض می‌کنم، دولت آمریکا غلط می‌کند که مسئول ایرانی را احضار کند. [۶] چنین تجربه‌هایی جمهوری اسلامی را واداشته است تا شرط تغییر رفتار آمریکا را برای مذاکره معین نماید.

اگر ایالات متحده نخواهد و یا حتی نتواند پیشینه خود را جبران نماید چه توقعی از جمهوری اسلامی است که از قبل تاسیس، خود را در مقابل ایالات متحده می‌دید به پای میز مذاکره بیاورد، قطعاً در مذاکره باید چیزی گرفته شده و چیزی داده شود، وقتی آمریکا به دنبال همان سیاست استیلائی خود است، مذاکره‌ای رخ نخواهد داد؛ "شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد. شما تغییر نکنید، ملت ما این سی سال را روزبه‌روز آبدیده‌تر و متحمل‌تر و قوی‌تر و باتجربه‌تر شده است" [۷]

ب - مذاکره بر غیر ارزش‌های دینی و انقلابی

"صرف این‌که شما بروید با آمریکا بنشینید حرف بزنید و مذاکره کنید، مشکلات حل می‌شود؟ این‌طوری که نیست. مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله. مذاکره با آمریکا، یعنی معامله با آمریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی، به آمریکا چه می‌خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آن چیزی که شما می‌خواهید به آمریکا بدهید، تا در مقابل از او چیزی بگیرید، چیست؟ ما چه می‌توانیم به آمریکا بدهیم؟ از ما چه می‌خواهد؟ آیا می‌دانید که او چه می‌خواهد؟ و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزیز الحمید. والله که آمریکاز هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پایبند بودن به اسلام ناب محمدی، ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پایبندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟" [۸]

آمریکای کنونی و با رفتارهای کنونی مصداق همان آیه‌ای است که مقام معظم رهبری فرمودند یعنی: "آنان از مؤمنان چیزی ندیده بودند که مجازاتشان کنند یا چیزی را انکار نکردند یا از چیزی کراهت نداشتند، جز آنکه آن مؤمنان به خدا ایمان آورده بودند" قطعاً هیچ ملتی حاضر نیست بر سر دین خود به مذاکره

دل کردید؛ بعد رودرپایستی به وجود می‌آید. آن وقت، اول شروع تحمیلات است. [۴]

مذاکره و شروع روابط دیپلماتیک قطعاً محدودیت‌هایی را به همراه خود خواهد آورد، تن دادن به این محدودیت‌ها در شرایطی درست خواهد بود که طرف مقابل روحیه استکباری نداشته باشد و دنبال سلب استقلال و از بین بردن منافع حیاتی طرف دیگر مذاکره نباشد. در غیر این صورت محدودیت‌هایی که نتیجه طبیعی هر مذاکره‌ای است مانع از دفاع تمام‌قد از خود می‌شود. تجربه تلخ مذاکره تشکیلات خودگران فلسطین با اسرائیل به خوبی این خطر را گوشزد می‌کند.

نتیجه‌های مذاکرات یاسر عرفات و اسرائیل در این ۳ مورد خلاصه می‌شود: قبول رژیم اشغالگر قدس لگدمال کردن حکومت تازه فلسطین اجبار روسای تشکیلات خودگران برای تعقیب مبارزان فلسطینی و در نتیجه کاشت تخم کینه در میان فلسطینی‌ها [۵] "بدبختی‌های انقلاب‌های دنیا و تسلط و نفوذ آمریکا همان‌طور که عرض کردم از همین‌جا (مذاکره) شروع شد. مثل کشورهای که بنده نمی‌ی‌خواهم اسم آن‌ها را بیاورم. امروز هم آن کشورهای بیچاره، غالباً چهره‌های بسیار بدی دارند. این است که روی مذاکره فشار می‌ی‌آورند."

۲- شرایط جمهوری اسلامی برای مذاکره و برقراری رابطه

الف - تغییر رفتار آمریکا

همانگونه که در قسمت قبل بیان شد، ایالات متحده از خود سابقه و گذشته نامناسبی در ذهن مردم ایران به جای گذاشته است. برای شروع مذاکرات و پذیرش مذاکره توسط جمهوری اسلامی، ایالات متحده باید گذشته خود را جبران نماید تا حداقل شرط مذاکره که همان ایجاد اقلی از اعتماد هست به وجود آید.

در سال ۸۴ آمریکا به منظور حل مساله عراق پیشنهاد مذاکره سه جانبه به ایران داد، مقام معظم رهبری در مورد رفتار آمریکایی‌ها در پیشنهاد دادن خود اینگونه می‌فرمایند: "آمریکایی‌ها در همین قضیه هم روح سلطه‌جویی و زیاده‌طلبی و دروغ‌جویی خودشان را نشان دادند. این‌طور وانمود کردند که گویا ایران می‌خواهد در مسائل گوناگون خود با آمریکا مذاکره کند. تعبیرات بسیار نامناسب

بنشینند از همین رو آمریکا باید قبول نماید که مذاکره بر غیر از ارزش ها و دین ملت ایران باشد، در واقع مانند اکثر مذاکرات دنیا بر سر مسائل سیاسی دو طرفه باشد، اما ایالات متحده آمریکا به دلیل در تقابل دیدن خود با تفکرات دینی مردم ایران اصلی ترین مشکل را بر سر راه خود همین تفکرات دیده و سعی در حذف آنان دارد، از همین رو مذاکره با آمریکا عملاً کار بیهوده ای است چرا که طرف مقابل چیزی را می خواهد که دادن آن اصلاً معقول نیست آن وقت نتیجه مذاکرات جز تشدید عداوت ها چیزی دیگر نخواهد بود.

ج - تفهیم آمریکا

این شرط به خلاف دو مورد قبل در مورد مسئولین ایرانی است. در مذاکرات جدای از مواضع قاطع و محکم و دفاع از حقوق مسلمین باید مساله تفهیم آمریکایی ها را هم جدی گرفت؛ آمریکا نسبت به ملت های مسلمان بسیار ظلم کرده است، آمریکا تلاش و سعی می نماید که مسلمین را نسبت به دین خود سست نموده و از پایبندی مسلمانان به آن کم نماید، حقوقی که آمریکا از ملت ایران در دست دارد باید برگرداند، اینها مواردی است که باید آمریکا آنان را درک نماید.

در ماجرای تقاضای آمریکا برای مذاکره بر سر مساله عراق مقام معظم رهبری فرمودند: "مسئولین ذی ربط کشور ما اگر می توانند با هدف تفهیم و حالی کردن به آمریکایی ها در قضیه ی عراق، مطلبی را به آنها منتقل کنند، مانعی ندارد؛ اما اگر مذاکره به معنای این است که یک عرصه ای باز شود برای اینکه طرف زورگو و پُرو و مکار با اتکای به زور بخواهد حرفهای خودش را به طرف تحمیل کند، این مثل بقیه ی موارد، همچنان که اعلام کردیم، ممنوع خواهد بود"

در این سخنرانی بر مساله تفهیم لزوم ایجاد امنیت در عراق تاکید شده است. از همین رو واضح است که منظور از تفهیم آمریکایی ها به دست برداشتن از برخی سیاست هاست.

جمع بندی:

با توجه به پاسخ های مقام معظم رهبری در مورد علت عدم پذیرش مذاکره و شروطی که برای آن بیان شده است، می توان نتیجه گرفت که مقابل پیام های آمریکایی ها، جمهوری اسلامی تغییر موضوعی نخواهد داد زیرا هنوز شرایط مذکور محقق نشده است، البته باید به این نکته توجه نمود که ممکن است در مساله ای خاص شروط فوق محقق شود که در آن صورت می توان بدون مذاکره و شروع مذاکرات که هنوز شروط آن محقق نشده است تنها به رفع آن مساله خاص پرداخت.

پی نوشت ها:

- [۱] بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه سیزده آبان، ۱۳۸۷/۸/۸
- [۲] بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه سیزده آبان، ۱۳۸۷/۸/۸
- [۳] بیانات در دیدار مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸
- [۴] بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه سیزده آبان، ۱۳۸۷/۸/۱۱
- [۵] بیانات در چهارمین کنفرانس بین المللی حمایت از فلسطین، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴
- [۶] بیانات در دیدار زائران و مجاوران امام رضا(ع)، مشهد، ۱۳۸۵/۱/۱
- [۷] بیانات در دیدار زائران و مجاوران امام رضا(ع)، مشهد مقدس ۸۸/۱/۱
- [۸] دیدار با معلمان و کارگران، ۶۹/۲/۱۲

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی



www.Didban.ir

www.didban.ir

| www.didban.ir